

تہیہ و تنظیم :  
عادل مہدی نژاد شانی  
فریدونکنار

گل ہاے  
زندگی خور  
را این گونہ  
پرورش دھیم

مرکز تحقیقات علمی و مطالعات فرہنگی  
مرکز جامع علوم انسانی

پدران و مادران بزرگوار نقشی حساس و خطیر در ساختار فکری، روحی، اخلاقی و عملی فرزندان خود ایفا می‌کنند. بر این اساس نکاتی را به‌طور مختصر و کوتاه بیان می‌داریم تا با استعانت از خداوند متعال و همیاری و همکاری یکدیگر سرمایه‌های با ارزش خود را هر چه بهتر تربیت، هدایت و پاسداری کنیم. هر چند والدین در پرورش و راهنمایی فرزندان خود به‌طور مشترک فعالیت می‌کنند، اما هر یک وظایف جداگانه‌ای نیز دارند که در این نوشتار نکات مهم و کلیدی مربوط به هر یک را عرضه می‌داریم.

### الف) توصیه به پدران عزیز

سعی کنیم با ورود به خانه، خستگی، کسالت، غم‌ها و رنج‌های حاصل از کار روزانه را به فراموشی سپرده، با خوش‌رویی و لبخند، اعضای خانواده را پذیرا باشیم و اگر غم و رنجی هم در دل داریم آن را در فرصت مناسب و بدون حضور فرزندان، با همسر خود در میان بگذاریم. پدران باید در شبانه‌روز مقداری از وقت خود را (حداقل دو ساعت) به همسر و فرزندان اختصاص دهند، با آن‌ها حرف بزنند و از مسائل و مشکلات درس و زندگی آنان آگاه شوند، حرف‌های آن‌ها را بشنوند و از جریاناتی که فرزندان در داخل و خارج خانه دارند با خبر گردند. اگر پدری پای صحبت فرزندش ننشیند تا او برایش بگوید که با چه کسانی دوست شده است و در آینده از این بابت مشکلی پیش آید و دوست او مورد تأیید پدر نباشد، سرزنش فایده‌ای ندارد، زیرا که جدا کردن وی از دوستش کاری دشوار است.

فرزندان، همچون سایر افراد، نیازمند غذای روحی‌اند و تأمین آن وظیفه والدین است. این امر در گرو همدمی والدین با فرزندان در مواقع مختلف زندگی روزمره، از جمله هنگام صرف غذا، مسافرت‌ها، گذران اوقات فراغت و نیز مشارکت دادن آنان در کارها و در موقعیت‌های دیگر است.

پدر وظیفه‌شناس، صبور و باحوصله است. با اعضای خانواده به ویژه فرزندان با صبر و حوصله برخورد می‌کند و برای دستیابی به تفاهم، به نیازها و علایق فرزندان و همسرش توجه دارد. با آنان در کارها مشورت می‌کند و به عقایدشان احترام می‌گذارد. با حسن نظر، انتقاد اعضای خانواده را می‌پذیرد و لغزش آنان را به‌موقع و با احترام به آنان گوشزد می‌کند. در این صورت است که فرزندان مدافع حقوق و حیثیت پدر بوده، به وجود وی افتخار می‌کنند و برای بازگشت او به خانه لحظه‌شماری می‌کنند.

پذیرش حرف حق و انتقادپذیری از فرزندان، نه تنها شخصیت پدر را خرد نمی‌کند، بلکه به او حیثیت و اعتبار می‌بخشد، زیرا

این امر موجب می‌شود که فرزندان او را انتقادپذیر و حق‌طلب بشناسند و در مسائل روزمره با او مشورت کنند. پدر خوب و فهیم همواره از رفتار نامطلوب و دون شأن پدر در حضور فرزندان پرهیز می‌کند، چرا که رفتار ناصواب پدران مایه بدبینی فرزندان نسبت به آنان است. چنین فرزندانی همواره دارای شخصیتی متزلزل‌اند. پدری که بر سر مادر، به خاطر یک مسئله کوچک یا حتی بزرگ فریاد می‌زند و او را تحقیر می‌کند، فرزندان چنین خانواده‌هایی ترسو و متزلزل خواهند بود و در صورت ارتکاب خطا آن را انکار کرده، از ترس داد و فریاد والدین به دروغ متوسل خواهند شد.

همدمی پدر با فرزندان دختر به دلیل ظرایف روحی آنان ضروری‌تر است و مسائل و مشکلات زیادی در سایه این همدمی حل می‌گردد. پدری که غرور فرزندش را بشکند و او را تحقیر کند و با بی‌اعتنایی چنین وانمود کند که به حرف‌های او گوش نمی‌دهد و حرف‌های او شنیدنی نیست، دچار خطایی بزرگ شده است. ضروری است که پدر نه تنها در خلوت، بلکه در جمع نیز به فرزند خود احترام بگذارد و به دیگران تفهیم کند که سخنان فرزند نیز شنیدنی و قابل احترام است.

سنین ۱۸-۱۴ سال، سنین رفاقت، دوستی‌های آتشین و توأم با صداقت و پاکی است، که متأسفانه گاهی سر از رسوایی در می‌آورد. اگر پدر و مادر، خود به عنوان یک دوست این نقش را ایفا کنند، کمال مطلوب است، در غیر این صورت ممکن است صدمات جبران‌ناپذیری متوجه فرزندان شود. پس بیایید همیشه و به‌ویژه در این سنین با فرزندانمان طرح دوستی بریزیم و آن‌ها را از خطرهای در پیش‌رو و خود را از سرزنش در آینده نجات دهیم. والدینی که در سن بلوغ، عواطف و احساسات فرزندان خود را به خوبی درک کنند و برای آن ارزش قائل شوند، می‌توانند در رفتاری‌ها و مشکلات آنان را یاری نموده، عواطف و احساسات آن‌ها را به شور مذهبی، فداکاری، ایثار و اخلاص تبدیل نمایند و فرزندانی نیکو تربیت کنند.

فرزندان همواره نیازمند محبت‌اند. نوجوانی که محبت و عاطفه پدر را درک نکرده، آرزو می‌کند در بستر بیماری باشد تا شاید پدر بر بالین او بنشیند و او را نوازش کند. این خطاست که تصور کنیم چون فرزندان ما بزرگ شده‌اند دیگر نیاز به محبت ندارند. در مورد پیامبر ذکر کرده‌اند که هر روز دست بر سر فرزندش می‌کشید و این سیره پیغمبر باید الگوی ما پدران باشد. بی‌توجهی نسبت به فرزند، به‌ویژه در جمع، اهانت به وی و تخریب شخصیت اوست و عامل بسیاری از نابه‌نجاری‌های اخلاقی و نافرمانی در فرزند است. وقتی که از جانب پدر توجهی به فرزند

از منظر تربیت دینی، مسائل و مشکلات موجود در خانواده از طریق مشاوره، دوستی، مهر، عاطفه و تحمل متقابل حل می‌شود. باید توجه داشت که خانه، جایگاه و مدرسه تربیت است و تعالیم اخلاقی، مذهبی، اجتماعی، عاطفی و به‌طور کلی شخصیت فرزندان در این مدرسه شکل می‌گیرد. پس شایسته است به غنی‌سازی این محیط مقدس بیش‌تر توجه کنیم.

پدران می‌دانند (بدانند) که فرزندان بر اساس ویژگی‌های متفاوتی که دارند، هر یک تقریباً نیازهای خاص خود را دارند و باید این نیازها به تناسب ویژگی‌های آن‌ها برآورده شود.

### ب) سخنی با مادران مهربان

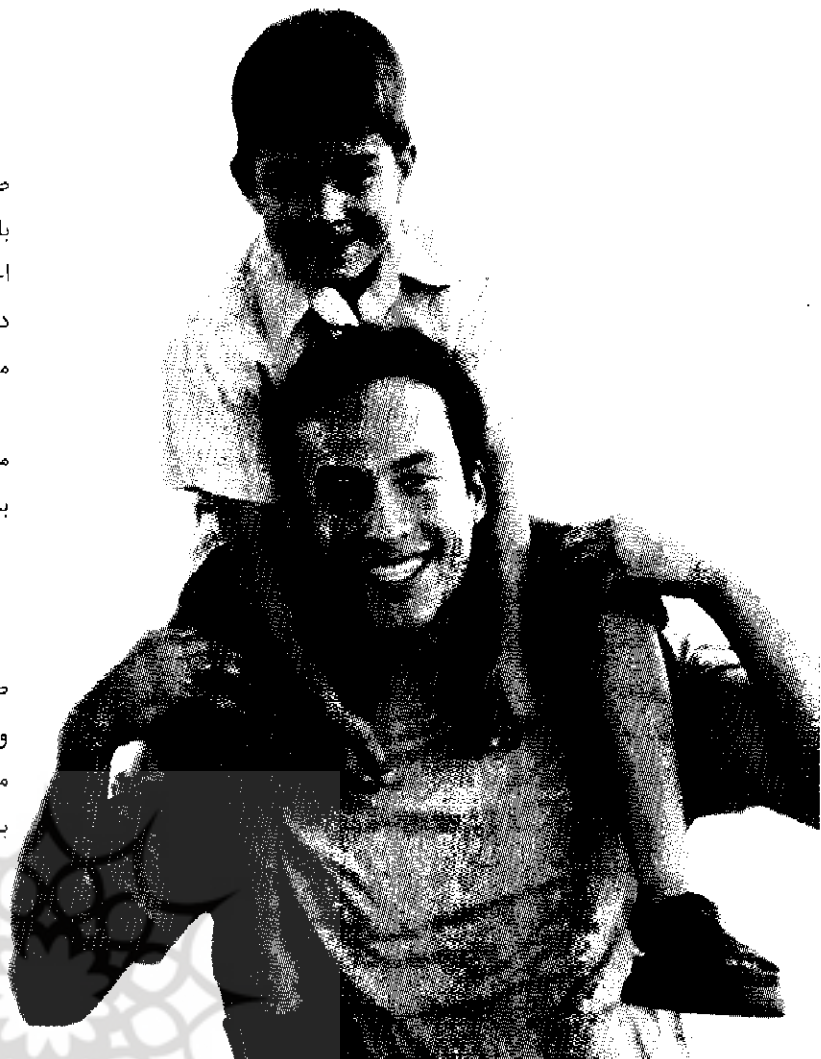
مادر دوست داشتنی‌ترین چهره در خانواده و مظهر مهر و صفاست. اوست که دل پر رنج همسر و فرزندان را تسکین می‌دهد و زمینه مهر و محبت، خیراندیشی و خیرخواهی را در آنان ایجاد می‌کند و در یک کلمه، اوست که تربیت فرزند را به همراه پدر بر عهده دارد. مادر، یعنی صبر و حوصله، عشق و محبت و همه خوبی‌ها را تداعی می‌کند.

فرزندان در خردسالی شدیداً تحت تأثیر اخلاق، کردار، منش و رفتار مادران قرار دارند. در واقع فرزندان آینه تمام نمای والدین‌اند.

مادر به عنوان حافظ امنیت و مسئول تأمین آسایش باید موجبات جلب و جذب اعضای خانواده را فراهم آورد. مادران با قصد قربت و اخلاصی که دارند مطمئناً از عهده ایجاد محیطی آراسته و آرام بخش، یعنی خانه، بر خواهند آمد.

مادری که می‌خواهد فرزندان امین، راست‌گو و صادق داشته باشد، پیش از همه خود باید امین، راست‌گو و صادق باشد. وقتی کودک به آسانی و با گوش خود از اعضای خانواده، به‌ویژه والدین دروغ می‌شنود یا عمل خلافی مشاهده می‌کند، چگونه توقع داریم که وی دروغ نگوید؟ به عنوان مثال، وقتی که مادر در خانه است و کسی زنگ خانه را می‌زند و به کودک گفته می‌شود، بگو مادرم خانه نیست، چگونه از کودک توقع داریم که راست‌گو باشد؟ یا زمانی که کودک می‌گوید: کسی به کمد و وسایل شخصی من دست نزنند و به رغم سفارش وی، وسایل او به هم می‌ریزد، چگونه امانت‌داری را می‌آموزد؟!

مادر بهترین رازدار فرزند است و باید زمینه لازم برای حفظ اسرار فرزندان را فراهم کند و از افشای اسرار فرزند خود خودداری نماید. زیرا در صورتی که مادر راز او را فاش کند، فرزند ناخودآگاه به کارهای مخفی و پنهان کاری و از همه مهم‌تر، دروغ‌گویی روی می‌آورد.



نمی‌شود و نیازهای مادی و معنوی او توسط پدر تأمین نمی‌گردد، فرمان‌برداری فرزند انتظاری بی‌جا خواهد بود. هر چند پدر بر فرزند خویش ولایت دارد، اما این ولایت بدان معنی نیست که ایشان حق هر گونه تصرف، ضرب و جرح و حتی تخریب شخصیت او را داشته باشد، بلکه در صورت اضطرار و ضرورت برای تربیت فرزند، گاهی اوقات یک گوشمالی کوچک لازم می‌شود. باید زمینه را به گونه‌ای فراهم کرد که حتی این ضرورت هم پیش نیاید.

هنگامی که بین پدر و مادر از یک سو و بین آن‌ها و فرزندان از سوی دیگر صمیمیت و صفا نباشد، فرزندان لذت و آسایش خود را از منبع دیگری جست‌وجو می‌کنند و در جست‌وجوی فضایی خارج از خانه‌اند که لذت بخش‌تر از خانه باشد و در این جست‌وجوها، گاهی به دام‌های شیاطینی می‌افتند که آن‌ها را گمراه می‌کنند.

پدر نه تنها فرزندان خود را سربرار زندگی و عامل مزاحم نمی‌داند، بلکه آن‌ها را مایه افتخار به حساب می‌آورد و این موضوع، احساس پوچی فرزندان را از بین می‌برد و آنان را به زندگی و بودن با خانواده علاقه‌مند می‌سازد.

نمی‌دهد، بلکه صمیمانه آن را پذیرفته، با راهنمایی فرزند خود، از تکرار آن جلوگیری می‌کند.

مادر فهمیده از بدبختی و محرومیت‌های زندگی خود برای فرزند سخنی نمی‌گوید، بلکه رخ زیبای زندگی را برای سیر و حرکت فرزند به او می‌نماید تا او را به زندگی حال و آینده علاقه‌مند سازد. بر مادران لازم نیست که ثروتمند و پردرآمد باشند، ولی لازم است که صدیق، درستکار، خدمت‌گزار، مؤمن و مسئول باشند و خانه را بسان مدرسه‌ای بسازند که همواره درس زندگی به فرزندان خود می‌آموزد. روح خلوص و خضوع مادر و عبادت در پیشگاه خداوند اثر نیکویی در دل فرزند می‌گذارد و مانع از هرگونه انحراف فرزند می‌شود.

رسول گرامی اسلام فرمود: خدا رحمت کند کسی را که در نیکی و نیکوکاری به فرزند خویش کمک کند. یعنی:

- ۱- آن چه را که کودک در توان داشته و انجام داده است، از او بپذیرد.
- ۲- آن چه انجام آن برای کودک سنگین و طاقت فرساست، از او نخواهد.
- ۳- او را به گناه و سرکشی وادار نکند.
- ۴- به او دروغ نگوید و در برابر او اعمال سبک و احمقانه انجام ندهد.

منبع:

[http:// www.aftab.ir](http://www.aftab.ir)

مادران فهمیسم و خردمند وقتی مصالح زندگی و اعتبار خانوادگی را در میان ببینند، به فرزند خود تفهیم می‌کنند که ضروری است پدر راز آن‌ها را بداند تا به راه‌گشایی و راهنمایی بپردازد. مادر دانا به فرزند خود می‌فهماند که هر سخنی را نزد هر کسی نگوید و بداند که پدر و مادر بهترین غمخوار او بوده، همواره حافظ سعادت فرزند خویش‌اند. مادرانی که دارای اعتدال مزاج‌اند، اخلاقی ملایم و لطیف دارند، از وظایف اخلاقی خویش نیک آگاه‌اند، رابطه آنان با فرزندان براساس عطوفت الهی است، فرزندان را به خاطر خدا دوست می‌دارند و می‌کوشند تا نسلی سنازنده، پویا و ارزنده برای جامعه بسازند، چنین مادرانی مقامی برتر از فرشتگان دارند.

سخت‌گیری‌های بی‌مورد، بی‌حوصلگی‌ها، دعوای نابجای مادر و اصولاً شرایط نامطلوب زندگی، روح فرزندان را افسرده و غمگین می‌کند. مقایسه فرزندان خود با دیگران، بی‌توجهی به سخنان آنان، به حساب نیاوردن آنان در جمع، نادیده گرفتن سلیقه ایشان، عدم مشورت و بی‌اعتنایی به وضعیت ظاهری، روحی و جسمی ... همه از عوامل تحقیر و موجب دوری فرزند از مادر می‌گردد.

ترجیح پسران و دختران و بالعکس، اندیشه‌های غیرمنطقی و جاهلانه است. مادران دیندار و مؤمن بیش از هر کس دیگری باید در این امر دقت نمایند و مواظب باشند که حتی ناخواسته در این دام گرفتار نشوند.

مادر، که منبع امنیت و آرامش و الگو و پیشوای زندگی است، باید خطای فرزند را در مرحله نخست ببخشد و او را راهنمایی کند. در صورت تکرار، به او هشدار دهد و از همه مهم‌تر، پس از مشاوره و هشدار، درصدد علت‌یابی و رفع علت باشد تا زمینه تکرار رفتار نادرست فراهم نشود. مادران موظف به پرورش قوه تدبیر و کاردانی فرزندان بالغ خویش‌اند. وادار کردن آنان به تأمل، تفکر و تدبیر در امور و توجه به مصالح و مفاسد عمل، موجبات رشد شخصیت ایشان را فراهم می‌آورد.

مادر خردمند و مسئول در کنترل و نظارت بر فرزند به او تفهیم می‌کند که در باید‌ها و نباید‌ها تنها مصلحت فرزند مورد توجه اوست، نه استبداد و خشونت. زمانی که خواستگاری برای فرزند دختر آمد یا فرزند پسر علاقه‌مند به ازدواج با دختری است و ما به هر دلیلی با او هم عقیده نیستیم، باید با دلایل منطقی و صحیح علت مخالفت خود را بیان کنیم. بدین ترتیب یا ما قانع می‌شویم یا فرزند حرف ما را می‌پذیرد و احساس می‌کند هیچ‌گونه خشونت و استبدادی در کار نیست و مصلحت او مورد توجه بوده است. مادر خردمند لغزش و خطای فرزند را با خشونت پاسخ

